

مواد قانوني مرتبط باقصور پزشکی

دکتر امیر محمد مهاجریور

متخصص پزشکی

کارشناس رسمی دادگستری

لیسانس حقوق

کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم شناسی

ماده 64 ق.م.ا : مجازات‌های جایگزین حبس عبارت از دوره مراقبت، خدمات عمومی رایگان، جزای نقدی، جزای نقدی روزانه و محرومیت از حقوق اجتماعی است که در صورت گذشت شاکی و وجود جهات تخفیف با ملاحظه نوع جرم و کیفیت ارتکاب آن، آثار ناشی از جرم، سن، مهارت، وضعیت، شخصیت و سابقه مجرم، وضعیت بزه دیده و سایر اوضاع و احوال، تعیین و اجرا می‌شود.

ماده 68 ق.م.ا : مرتکبان جرایم غیر عمدی به مجازات جایگزین حبس محکوم می‌گردند، مگر اینکه مجازات قانونی جرم ارتكابی بیش از دو سال حبس باشد که در این صورت حکم به مجازات جایگزین حبس، اختیاری است.

ماده 145 ق.م.ا: تحقق جرائم غیرعمدي، منوط به احراز تقصیر مرتکب است.

تبصره: تقصیر اعم از بی احتیاطی و بی مبالاتی است. مسامحه، غفلت، عدم مهارت و عدم رعایت نظامات دولتی و مانند آنها، حسب مورد، از مصادیق بی احتیاطی یا بی مبالاتی محسوب می شود.

(بی احتیاطی ناظر بر فعلی است که نبایستی انجام بگیرد و لیکن صورت پذیرفته است مانند سرعت غیرمجاز. بی مبالاتی ناظر بر ترك فعلی است که بایستی انجام می گرفت و لیکن صورت نپذیرفته است مانند ترك نجات غریق از استخر)

ماده 146 ق.م.ا: افراد نابالغ مسئولیت کیفری ندارند.

(افراد نابالغ شامل صغیر ممیز و غیرممیز است)

(صغر، جنون، اشتباه، اکراه، اضطرار، اجبار و مستی از جمله علل رافع مسئولیت کیفری محسوب می‌شوند.)

ماده 147 ق.م.ا: سن بلوغ در دختران و پسران به ترتیب نه و پانزده سال تمام قمری است.

ماده 149 ق.م.ا: هرگاه مرتکب در زمان ارتکاب جرم دچار اختلال روانی بوده به نحوی که فاقد اراده یا قوه تمییز باشد، مجنون محسوب می‌شود و مسئولیت کیفری ندارد.

(فاقد اراده: فرد بدون اینکه فعل مادی را بخواهد رفتاری از او سر بزند. فاقد قوه تمییز: فرد قادر به تشخیص حسن و قبح رفتار خود نمی‌باشد.)

(به نظر می‌رسد در حقوق ایران اگر اختلال روانی مرتکب به حدی نرسد که بتوان گفت وی اساساً فاقد قوه اراده بوده است، راهی برای تخفیف مجازات وی در قتل و قصاص وجود نداشته باشد.)

تبصره 2 ماده 150 ق.م.ا: قوه قضائیه موظف است مراکز اقدام تأمینی را در هر حوزه قضایی برای نگهداری افراد موضوع این ماده تدارک ببیند. تا زمان شروع به کار این اماکن، قسمتی از مراکز روان درمانی بهزیستی یا بیمارستانی موجود به این افراد اختصاص داده می شود.

ماده 153 ق.م.ا: هرکس در حال خواب، بیهوشی و مانند آنها مرتکب رفتاری شود که طبق قانون جرم محسوب می شود مجازات نمی گردد، مگر اینکه شخص با علم به اینکه در حال خواب یا بیهوشی مرتکب جرم می شود، عمداً بخوابد و یا خود را بیهوش کند. (ارتکاب جرم هنگام بیهوشی و خواب به دلیل فقدان اراده موجه می شود.)

ماده 154 ق.م.ا: مستي و بي ارادگي حاصل از مصرف اختياري مسكرات، مواد مخدر و روان گردان و نظاير آنها، مانع مجازات نيست، مگر اينكه ثابت شود مرتكب حين ارتكاب جرم به طور كلي مسلوب الاختيار بوده است. لکن چنانچه ثابت شود مصرف اين ماده به منظور ارتكاب جرم يا با علم به تحقق آن بوده است و جرم مورد نظر واقع شود، به مجازات هر دو جرم محكوم مي شود.

(اراده به معني خواستن ولي اختيار به معني آزادي انسان در اراده كردن است. لذا با فقدان اراده، نوبت به بررسي اختيار نمي رسد. ولي فقدان اختيار مانعي براي ارادي بودن رفتار و يا عمدي بودن جنايت نيست).

ماده 158 ق.م.ا: علاوه بر موارد مذکور در مواد قبل، ارتکاب رفتاری که طبق قانون جرم محسوب می‌شود، در موارد زیر قابل مجازات نیست:

- الف- در صورتی که ارتکاب رفتار به حکم یا اجازه قانون باشد.
- ب- در صورتی که ارتکاب رفتار برای اجرای قانون اهم لازم باشد.
- پ- در صورتی که ارتکاب رفتار به امر قانونی مقام ذی صلاح باشد و امر مذکور خلاف شرع نباشد.
- ت- اقدامات والدین و اولیای قانونی و سرپرستان صغار و مجانین که به منظور تأدیب یا حفاظت آنها انجام می‌شود، مشروط بر اینکه اقدامات مذکور در حد متعارف و حدود شرعی تأدیب و محافظت باشد.
- ث- عملیات ورزشی و حوادث ناشی از آن، مشروط بر اینکه سبب حوادث، نقض مقررات مربوط به آن ورزش نباشد و این مقررات هم مغایر موازین شرعی نباشد.
- ج- هر نوع عمل جراحی یا طبی مشروع که با رضایت شخص یا اولیاء یا سرپرستان یا نمایندگان قانونی وی و با رعایت موازین فنی و علمی و نظامات دولتی انجام می‌شود. در موارد فوری اخذ رضایت ضروری نیست.

ماده 160 ق.م.ا: ادله اثبات جرم عبارت از اقرار، شهادت، قسامه و سوگند در موارد مقرر قانونی، و علم قاضی است.

(مقنن، اقرار را نسبت به سایر ادله کیفری در اولویت قرار داده است)

ماده 171 ق.م.ا: هرگاه متهم اقرار به ارتکاب جرم کند، اقرار وی معتبر است و نوبت به ادله دیگر نمی‌رسد.

ماده 211 ق.م.ا: علم قاضی عبارت از یقین حاصل از مستندات بین در امری است که نزد وی مطرح می‌شود.

تبصره: مواردی از قبیل نظریه کارشناس، معاینه محل، تحقیقات محلی، اظهارات مطلع، گزارش ضابطان و سایر قرائن و امارات که نوعاً علم آور باشند می‌تواند مستند علم قاضی قرار گیرد.

ماده 213 ق.م.ا: در تعارض سایر ادله با یکدیگر، اقرار بر شهادت شرعی، قسامه و سوگند مقدم است.

ماده 241 ق.م.ا: در صرت نبود ادله اثبات قانونی بر وقوع جرائم منافی عفت و انکار متهم، هرگونه تحقیق و بازجویی، جهت کشف امور پنهان و مستور از انظار ممنوع است. موارد احتمال ارتکاب با عنف، اکراه، آزار، ربایش یا اغفال یا مواردی که به موجب این قانون در حکم ارتکاب به عنف است از شمول این حکم مستثنی است.

(در دادرسی جرایم منافی عفت، عدم وجود تحقیقات در مرحله دادرسی بر آن حاکم است).

ماده 291 ق.م.ا: جنایت در موارد زیر شبه عمدی است.

پ- هرگاه جنایت به سبب تقصیر مرتکب واقع شود، مشروط بر اینکه جنایت واقع شده یا نظیر آن مشمول تعریف جنایت عمدی نباشد.

ماده 295 ق.م.ا: هرگاه کسی فعلی که انجام آن را بر عهده گرفته یا وظیفه خاصی را که قانون بر عهده او گذاشته است، ترک کند و به سبب آن، جنایتی واقع شود، چنانچه توانایی انجام آن فعل را داشته باشد جنایت حاصل به او مستند می‌شود و حسب مورد عمدی، شبه عمدی یا خطای محض است، مانند اینکه مادر یا دایه‌ای که شیردادن را بر عهده گرفته است، کودک را شیر ندهد یا یزشک یا پرستار وظیفه قانونی خود را ترک کند.

(در قانون فعلی به صراحت، جنایت به وسیله ترک فعل را پذیرفته است.)

- (هر ترك فعلي موجب مسئوليت نمي شود بلکه بايد شخص متعهد به انجام فعلي باشد يا آنکه قانون او را متعهد به انجام کرده باشد. از سوي ديگر وقوع جنايت بايد در نتيجه ترك فعل باشد و نه از باب سبب مستقل ديگري. مثلاً پرستاري که متعهد به مراقبت از بيمار است براي مدتي محل نگهداري بيمار را ترك مي کند و بيمار به علت اتصال برق فوت مي کند. (وجود رابطه سببيت).

- (مطابق اين ماده، در جرايم ترك فعل، تحقق شرايط زير بايد احراز گردد:

1- لزوم وجود تکليف قانوني يا قراردادي از قبل براي تارك فعل

2- توانايي تارك فعل بر انجام وظيفه

3- لزوم اثبات رابطه سببيت بين نتيجه و ترك فعل

4- وجود عنصر رواني اعم از عمد و غير عمد در ترك فعل)

- (پزشکی که بیمار را در بخش مربوطه بستری می‌کند، مصداق تعهد به انجام فعل (مراقبت) است.

بنابراین تا تعهد انجام فعل از سوی تارک احراز نگردد، نمی‌توان او را مرتکب جنایت دانست.

- (همچنین پزشک یا بیمارستانی که به عنوان شخص حقوقی از پذیرش بیمار اورژانس به هر دلیلی خودداری نماید و بیمار در راه رسیدن به بیمارستان دیگری فوت کند، از شمول ماده 295 ق.م.ا خارج است زیرا با عدم پذیرش، تعهد به درمان صورت نپذیرفته است و تنها ممکن است مشمول ماده واحده مجازات خودداری از کمک به مصدومین و رفع مخاطرات جانی قرار گیرد. ولی چنانچه بیمار را پذیرش کنند و در واقع تعهد به انجام فعل (درمان) نمایند، خودداری آنها از انجام تعهد، چنانچه منتهی به صدمه به بیمار شود، جنایت محسوب می‌گردد).

- (در بعضی موارد، قبول يك شغل بطور ضمنی به معنای متعهد شدن آن شخص به انجام فعل است مثل حاضر شدن ناجی غریق بدون قرارداد مکتوب در محل استخر با لباس شنا).
- (عدم توانایی می‌تواند در مصادیق بدنی، مهارتی، امکاناتی و ... بروز کند. پزشک عمومی که فاقد تخصص کافی یا تجهیزات لازم برای درمان شخص بیماری است که به درمانگاه منتقل و وضعیت اورژانسی دارد.
- پزشک متخصصی که در جریان جراحی به علت قطع برق دست از کار می‌کشد، امتناع پزشک از درمان بیماری که حاضر به پذیرش درمان نیست، از نمونه‌های عدم توانایی است.
- احراز رابطه سببیت شرط دیگر ماده است «جنایت حاصل به او مستند باشد.»
- (قاعده فقهی مهمی که وجود دارد: «البینه علی المدعی و الیمین علی من انکر» یعنی مدعی هر خواسته‌ای باید بینه و دلیل اقامه کند و کسی که منکر است باید قسم بخورد.)

ماده 312 ق.م.ا: لوٹ عبارت از وجود قرائن و اماراتی است که موجب ظن قاضی به ارتکاب جنایت یا نحوه ارتکاب از جانب متهم می شود.

ماده 351 ق.م.ا: ولی دم، همان ورثه مقتول است به جز زوج یا زوجه او که حق قصاص ندارد.

(«ولی دم» با اصطلاح «ولی» مندرج در تبصره 2 ماده 495 ق.م.ا در بحث رضایت و برائت تفاوت دارد.)

ماده 372 ق.م.ا: هرگاه کسی آسیبی به شخصی وارد کند به گونه ای که وی را در حکم مرده قرار دهد و تنها آخرین رمق حیات در او باقی بماند و در این حال، دیگری با انجام رفتاری به حیات غیرمستقر او پایان دهد، نفر اول قصاص می شود و نفر دوم به مجازات جنایت بر میت محکوم می گردد.

ماده 371 ق.م.ا: هرگاه کسی آسیبی به شخصی وارد کند و بعد از آن دیگری او را به قتل برساند، قاتل همان نفر دوم است، اگر چه آسیب سابق به تنهایی موجب مرگ می‌گردد و اولی فقط به قصاص عضو محکوم می‌شود.

(مصادق فقهی ماده 372 ق.م.ا «حیات غیرمستقر» است که به مثابه گوسفندی دانسته‌اند که سر او بریده باشد (کالمذبوحه)). یکی از بارزترین نمونه‌های حیات غیرمستقر، مرگ مغزی است.

ماده 492 ق.م.ا: جنایت در صورتی موجب قصاص یا دیه است که نتیجه حاصله مستند به رفتار مرتکب باشد، اعم از اینکه به نحو مباشرت یا به تسبیب یا به اجتماع آنها انجام شود.
(مسبب زمانی ضامن است که تعدی و تفریط کرده باشد).

ماده 493 ق.م.ا: وجود فاصله زمانی، میان رفتار مرتکب و نتیجه ناشی از آن، مانع از تحقق جنایت نیست مانند فوت ناشی از انتقال عامل بیماری کشنده که حسب مورد موجب قصاص یا دیه است (فردی که دارای ایدز است اگر با ثالثی رابطه جنسی برقرار کند با توجه به عنصر معنوی، حسب مورد به قصاص یا دیه محکوم خواهد شد).

(اگر پرستاری از باب تقصیر، داروی اشتباهی به بیمار تزریق کند و بیمار بعد از چند سال به سبب آن فلج شود، مرتکب جنایت شبه عمدی شده و باید دیه پرداخت کند).

ماده 495 ق.م.ا: هرگاه پزشك در معالجاتي كه انجام مي‌دهد موجب تلف يا صدمه بدني گردد، ضامن ديه است مگر آنكه عمل او مطابق مقررات پزشكي و موازين فني باشد يا اينكه قبل از معالجه برائت گرفته باشد و مرتكب تقصيري هم نشود، و چنانچه اخذ برائت از مريض به دليل نابلغ يا مجنون بودن او، معتبر نباشد و يا تحصيل برائت از او به دليل بيهوشي و مانند آن ممكن نگردد، برائت از ولي مريض تحصيل مي‌شود.

تبصره 1: در صورت عدم قصور و یا تقصیر پزشك در علم و عمل برای وی ضمان وجود ندارد هر چند برائت اخذ نکرده باشد.

تبصره 2: ولی بیمار اعم از ولی خاص است مانند پدر و ولی عام که مقام رهبری است. در موارد فقدان یا عدم دسترسی به ولی خاص، رئیس قوه قضاییه با استیذان از مقام رهبری و تفویض اختیار به دادستان‌های مربوطه به اعطای برائت به طبیب اقدام می‌نماید.

(مطابق با اصل، ایجاد صدمه و آسیب توسط پزشك موجب دیه است. بدین خاطر که در این موارد معمولاً تقصیر مفروض است و خود مقصر باید دیه بپردازد. با این حال اگر پزشك مرتکب قصور یا تقصیری نشود، در هر حال ضامن نخواهد بود. برائت باید از خود بیمار گرفته شود.

اخذ رضایت به معنای عدم مسئولیت مطلق پزشك نیست بلکه تنها بار اثبات مسئولیت را بر عهده مدعی تقصیر یا قصور پزشك می‌گذارد)

ماده 496 ق.م.ا: پزشك در معالجاتي كه دستور انجام آن را به مريض يا پرستار و مانند آن صادر مي نمايد، در صورت تلف يا صدمه بدني ضامن است، مگر آنكه مطابق ماده 495 اين قانون عمل نمايد.

تبصره 1: در موارد مزبور، هرگاه مريض يا پرستار بداند كه دستور اشتباه است و موجب صدمه و تلف مي شود و با وجود اين به دستور عمل كند، پزشك ضامن نيست بلكه صدمه و خسارت، مستند به خود مريض يا پرستار است.

ماده 497 ق.م.ا: در موارد ضروري که تحصيل براءت ممکن نباشد و پزشک براي نجات مريض طبق مقررات اقدام به معالجه نمايد، کسي ضامن تلف يا صدمات وارده نيست.

ماده 510 ق.م.ا: هرگاه شخصي با انگيزه احسان و کمک به ديگري، رفتاري را که به جهت حفظ مال، جان يا عرض يا ناموس او لازم است، انجام دهد و همان عمل موجب صدمه و يا خسارت شود، در صورت رعايت مقررات قانوني و نکات ايمني، ضامن نيست.

ماده 529 ق.م.ا: در کليه مواردی که تقصير موجب ضمان مدني يا کيفري است، دادگاه موظف است استناد نتيجه حاصله به تقصير مرتکب را احراز نمايد.

(تقصير، زماني موجب مسئوليت مرتکب خواهد شد که نتيجه حاصل، مستند به بي احتياطي يا بي مبالايي جاني باشد.)

ماده 537 ق.م.ا: در کلیه موارد مذکور در این فصل هرگاه جنایت منحصرأً مستند به عمد و یا تقصیر مجنی علیه باشد، ضمان ثابت نیست. در مواردی که اصل جنایت مستند به عمد یا تقصیر مرتکب باشد، لکن سرایت آن مستند به عمد یا تقصیر مجنی علیه باشد، مرتکب نسبت به مورد سرایت ضامن نیست.

(در صورتی که جانی جراحتهی به مجنی علیه وارد کند ولی او در درمان آن، چنان بی مبالائی کند تا عفونی شود و بعد از گذشت مدتی در اثر سرایت جراثیم فوت کند، مسئولیتی بر عهده جانی نخواهد بود).

ماده 538 ق.م.ا: در تعدد جنایات، اصل بر تعدد دیات و عدم تداخل آنها است مگر مواردی که در این قانونی خلاف آن مقرر شده است.

ماده 544 ق.م.ا: هرگاه در اثر يك يا چند رفتار، منافع متعدد زایل يا ناقص شود مانند اينكه در اثر ضربه به سر، بينايي، شنوايي و عقل كسي از بين برود يا كم شود، هر يك ديه جداگانه دارد.

ماده 567 ق.م.ا: در مواردی كه رفتار مرتكب نه موجب آسیب و عیبي در بدن گردد و نه اثري از خود در بدن بر جاي بگذارد، ضمان منتفی است، لكن در موارد عمدي در صورت عدم تصالح، مرتكب به حبس يا شلاق تعزيري درجه هفت محكوم مي شود. (حبس از نودو يك روز تا شش ماه يا شلاق از يازده تا سي ضربه)

ماده 608 ق.ت: توهين به افراد از قبيل فحاشي و استعمال الفاظ ركيك، چنانچه موجب حد قذف نباشد، به مجازات شلاق تا 74 ضربه و يا پنجاه هزار تا يك ميليون ريال جزاي نقدي خواهد بود.
(- شخص مورد توهين بايد حقيقي و معين باشد- جرم آن قابل گذشت و مطلق است).

- اعمالي مثل آب دهان به روي ديگري انداختن، هل دادن تحقيرآمیز ديگري، پرتاب گوجه فرنگي يا تخم مرغ به سوي كسي (مثلاً يك سياستمدار)، برخي از اشارات انگشتان دست، با توجه به اينكه عرفاً باعث تخفيف و تحقير شخص است، مي تواند توهين كيفري محسوب شود. در همين راستا ديوان عالي كشور در آراي مختلفي ارتكاب جرم توهين به وسيله ايراد ضرب را ممكن و در چنين مواردی عمل مرتكب را هم ايراد ضرب و هم توهين دانسته است).

ماده 609 ق.ت: هرکس با توجه به سمت، به یکی از رؤسای سه قوه یا معاونان رئیس جمهور یا وزرا یا یکی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی یا نمایندگان مجلس خبرگان یا اعضای شورای نگهبان یا قضات یا اعضای دیوان محاسبات یا کارکنان وزارت خانه ها و موسسات و شرکت های دولتی و شهرداری ها در حال انجام وظیفه یا به سبب آن، توهین نماید به سه تا شش ماه حبس و یا تا 74 ضربه شلاق و یا پنجاه هزار تا یک میلیون ریال جزای نقدی محکوم می شود.

(- توهين مستلزم فعل مثبت است و ترك فعل مانند عدم ادای احترام نظامی به ما فوق، توهين محسوب نمی‌شود.

- اشخاص مورد حمایت در این ماده کارکنان دولت می‌باشند و نه سایر اشخاص، هر چند نوع رابطه استخدامی آنها با دولت (رسمی، پیمانی و ...) مهم نیست.

- توهين در حال انجام وظیفه یا به سبب آن باید باشد. تحقق یکی از دو شرط کفایت می‌کند. بنابراین توهين به دادرس دادگاه در پشت میز کار خود حتی به دلیل وجود يك اختلاف شخصي و یا توهين به قاضي یا ممیز مالیاتی در هنگام شب در مقابل منزل آنها، هرگاه به دلیل نارضایتی توهين کننده از رای صادره یا مالیات تعیین شده باشد، مشمول ماده 609 خواهد بود).

ماده 616 ق.ت: در صورتی که قتل غیر عمد به واسطه ی بی احتیاطی یا بی مبالائی یا اقدام به امری که مرتکب در آن مهارت نداشته است، یا به سبب عدم رعایت نظامات واقع شود، مسبب به حبس از یک تا سه سال و نیز به پرداخت دیه در صورت مطالبه از ناحیه ی اولیای دم، محکوم خواهد شد، مگر اینکه خطای محض باشد.

تبصره - مقررات این ماده شامل قتل غیر عمد در اثر تصادفات رانندگی نمی گردد.

(لذا حکم به مجازات جایگزین حبس الزامی نیست و به اختیار قاضی می باشد. لازم به ذکر است در صورت تعیین مجازات توسط مقام قضایی، به استناد ماده 46 ق.م.ا، مجازات تعیین شده قابل تعلیق به مدت یک تا پنج سال می باشد.)

ماده 624 ق.ت: اگر طبیب یا ماما یا دارو فروش و اشخاصی که به عنوان طبابت یا مامایی یا جراحی یا دارو فروشی، اقدام می کنند، وسایل سقط جنین فراهم سازند و یا مباشرت به اسقاط جنین نمایند، به حبس از دو تا پنج سال محکوم خواهند شد و حکم به پرداخت دیه مطابق مقررات مربوط صورت خواهد پذیرفت.

(صرف تهیه وسایل سقط جنین، اعم از اینکه منتبح به سقط جنین شود یا نشود جرم است).

ماده 648 ق.ت: اطبا و جراحان و ماماها و داروفروشان و کلیه کسانی که به مناسبت شغل یا حرفه‌ی خود، محرم اسرار می‌شوند، هرگاه در غیر از موارد قانونی، اسرار مردم را افشا کنند، به سه ماه و یک روز تا یک سال حبس و یا به یک میلیون و پانصد هزار تا شش میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌شوند.

ماده 714 ق.ت: هرگاه بی‌احتیاطی یا بی‌مبالاتی یا عدم رعایت نظامات دولتی یا عدم مهارت راننده (اعم از وسایط نقلیه زمینی یا آبی یا هوایی) یا متصدی وسیله‌ی موتوری، منتهی به قتل غیرعمدی شود، مرتکب به شش ماه تا سه سال حبس و نیز پرداخت دیه در صورت مطالبه از ناحیه اولیای دم محکوم می‌شود.

ماده 718 ق.ت: در مورد مواد فوق، هرگاه راننده یا متصدی وسایل موتوری، در موقع وقوع جرم مست بوده یا پروانه نداشته یا زیاده‌تر از سرعت مقرر حرکت می‌کرده است یا آنکه دستگاه موتوری را با وجود نقص و عیب مکانیکی موثر در تصادف، به کار انداخته، یا در محل‌هایی که برای عبور پیاده‌رو، علامت مخصوص گذاشته شده است، مراعات لازم ننماید و یا از محل‌هایی که عبور از آن ممنوع گردیده است، رانندگی نموده، به بیش از دو سوم حداکثر مجازات مذکور در مواد فوق، محکوم خواهد شد. دادگاه می‌تواند علاوه بر مجازات فوق، مرتکب را برای مدت یک تا پنج سال از حق رانندگی یا تصدی وسایل موتوری، محروم نماید.

(تبدیل حبس به جزای نقدی در جرم قتل غیرعمدی ناشی از تخلفات رانندگی به موجب قانون وصول برخی از درآمدهای دولت، ممنوع است و لیکن تخفیف یا تبدیل، به موجب ماده 37 ق.م.ا منع نشده و جایز است.)

ماده 719 ق.ت: هرگاه مصدوم احتیاج به کمک فوری داشته و راننده با وجود امکان رساندن مصدوم به مراکز درمانی و یا استمداد از مأمورین انتظامی از این کار خودداری کند و یا به منظور فرار از تعقیب، محل حادثه را ترك و مصدوم را رها کند، حسب مورد به بیش از دو سوم حداکثر مجازات مذکور در مواد 714 و 715 و 716 محکوم خواهد شد. دادگاه نمی‌تواند در مورد این ماده اعمال کیفیت مخففه نماید.

تبصره 2: در تمام موارد مذکور، هرگاه راننده، مصدوم را به نقاطی برای معالجه و استراحت برساند و یا مأمورین مربوطه را از واقعه آگاه کند و یا به نحوی موجبات معالجه و استراحت و تخفیف آلام مصدوم را فراهم کند، دادگاه مقررات تخفیف را درباره آن رعایت خواهد نمود.

ماده 4 قانون آیین دادرسی کیفری: اصل، برائت است. هرگونه اقدام محدود کننده، سلب آزادی و ورود به حریم خصوصی اشخاص حز به حکم قانون و با رعایت مقررات و تحت نظارت مقام قضایی مجاز نیست و در هر صورت این اقدامات نباید به گونه‌ای اعمال شود که به کرامت و حیثیت اشخاص آسیب وارد کند.

(چون اصل بر بی‌گناهی متهم است، وی مجبور به اثبات بی‌گناهی خود نیست چرا که اصل، نیاز به اثبات ندارد).

ماده 128 ق.آ.د.ك: کارشناس رسمي يا خبره از قبيل پزشك، داروساز، مهندس و ارزياب هنگامي دعوت مي شوند كه اظهارنظر آنان از جهت علمي يا فني يا معلومات مخصوص لازم باشد.

تبصره: بازپرس مي تواند در صورت لزوم از پزشك معالج نيز دعوت به عمل آورد.

(با توجه به بند ب ماده 727 ق.آ.د.ك: در مواردی كه ارش تعیین شده بابت قصور پزشکی کمتر از ده درصد ديه كامل بشد قابل تجديد نظر خواهي نبوده و رای صادره در دادگاه بدوي قطعي مي باشد.)

ماده 502 ق.آ.د.ك: هرگاه محكوم عليه به بيماري جسمي يا رواني مبتلا باشد و اجراي مجازات موجب تشديد بيماري و يا تاخير در بهبود وي شود، قاضي اجراي احكام كيفري با كسب نظر پزشكي قانوني تا زمان بهبودي، اجراي مجازات را به تعويق مي اندازد. چنانچه در جرايم تعزيري اميدي به بهبودي بيمار نباشد، قاضي اجراي احكام كيفري پس از احراز بيماري محكوم عليه و مانع بودن آن براي اعمال مجازات، با ذكر دليل پرونده را براي تبديل مجازات مناسب ديگر با در نظر گرفتن نوع بيماري و مجازات به مرجع صادر كننده راي قطعي ارسال مي كند.

ماده 522 ق.آ.د.ك: در صورتي كه مداواي محكوم به حبس در خارج از زندان ضروري باشد، قاضي اجراي احكام كيفري، مدت مورد نياز براي مداوا را با نظر پزشكي قانوني تعيين مي كند و با اخذ تأمين متناسب، اجراي حبس را به تعويق مي اندازد و هرگاه محكوم عليه تأمين مناسب ندهد، معالجه وي در بيمارستان تحت نظر ضابطان صورت مي گيرد و مدت معالجه جزء محكوميت وي محسوب مي شود.

ماده 951 قانون مدني: تعدي، تجاوز نمودن از حدود اذن متعارف است نسبت به مال يا حق ديگري.

ماده 952 ق.م: تفريط عبارت است از ترك عملي كه به موجب قرارداد يا متعارف براي حفظ مال غير لازم است.

ماده 953 قانون مدني: تقصير اعم است از تفريط و تعدي.


ماده 956 قانون مدني: اهليت براي دارا بودن حقوق، بازنده متولد شدن انسان شروع و با مرگ او تمام مي شود. (دارايي هر شخص عبارت است از مجموع حقوق مالي و ديون آن شخص. دارايي از عناصر شخصيت است كه از آن انفكاك ناپذير است.)

ماده 958 قانون مدنی: هر انسان، متمتع از حقوق مدنی خواهد بود لیکن هیچ کس نمی تواند حقوق خود را اجرا کند مگر اینکه برای این امر اهلیت قانونی داشته باشد.

(مقصود از بخش نخست ماده، اهلیت تمتع یا تملك است و منظور از بخش اخیر ماده، اهلیت استیفاء یا تصرف است)

ماده 1194 قانون مدنی: پدر و جد پدری و وصی منصوب از طرف یکی از آنان، ولی خاص طفل نامیده می شود.


ماده 1257 قانون مدنی: هر کس مدعی حقی باشد باید آن را اثبات کند و مدعی علیه هرگاه در مقام دفاع مدعی امری شود که محتاج به دلیل باشد، اثبات امر به عهده او است.



ماده 10 قانون مسئولیت مدني: کسي که به حیثیت و اعتبارات
شخصي یا خانوادگی او لطمه وارد شود می تواند از کسي که لطمه
وارد آورده است، جبران زیان مادي و معنوي خود را بخواهد. هرگاه
اهمیت زیان و نوع تقصیر ایجاب نماید، دادگاه می تواند در صورت
اثبات تقصیر، علاوه بر صدور حکم به خسارت مالي، حکم به رفع
زیان از طریق دیگر از قبیل الزام به عذرخواهي و درج حکم در
جرايد و امثال آن نماید.

ماده واحده قانون خودداري از كمك به مصدومين و رفع مخاطرات جاني (مصوب 1354):

1- هر كس شخص يا اشخاص را در معرض خطر جاني مشاهده كند و بتواند با اقدام فوري خود يا كمك طلبيدن از ديگران يا اعلام قوري به مراجع يا مقامات صلاحيت دار از وقوع خطر يا تشديد نتيجه آن جلوگیری كند بدون اينكه با اين اقدام خطري متوجه خود او يا ديگران شود و با وجود استمداد يا دلالت اوضاع و احوال بر ضرورت كمك، از اقدام به اين امر خودداري نمايد، به حبس جنحه‌اي تا يك سال و يا جزاي نقدي تا پنجاه هزار ريال محكوم خواهد شد. در اين مورد اگر مرتكب از كسائي باشد كه به اقتضاي حرفه خود مي توانسته كمك مؤثري بنمايد به حبس جنحه‌اي از سه ماه تا دو سال يا جزاي نقدي از ده هزار تا يك صد هزار ريال محكوم خواهد شد. مسئولان مراكز درمانی اعم از دولتي يا خصوصي كه از پذيرفتن شخص آسيب ديده و اقدام به درمان او با كمك‌هاي اوليه امتناع نمايند به حداكثر مجازات ذكر شده محكوم مي‌شوند.



2- هر گاه کسانی که حسب وظیفه یا قانون مکلفند به اشخاص آسیب دیده یا اشخاصی که در معرض خطر جانی قرار دارند کمک نمایند از اقدام لازم و کمک به آنها خودداری کنند. به حبس جنحه‌ای از شش ماه تا سه سال محکوم خواهند شد.


3- دولت مکلف است در شهرها و راه‌ها به تناسب احتیاج، مراکز درمان فوری (اورژانس) و وسایل انتقال مصدومین و بیماران که احتیاج به کمک فوری دارند ایجاد و فراهم نماید.

آیین نامه اجرایی قانون مجازات خودداری از کمک به مصدومین و
رفع مخاطرات جانی (مصوب 1364):

ماده 1- فوریت‌های پزشکی به مواردی از اعمال پزشکی اطلاق
می‌شود که بایستی بیماران را سریعاً مورد رسیدگی و درمان قرار
داد و چنانچه اقدام فوری به عمل نیاید باعث خطرات جانی، نقص
عضو یا عوارض صعب‌العلاج و یا غیر قابل جبران خواهد شد.

ماده 2- از نظر این آیین نامه، فوریت‌های پزشکی (اورژانس) شامل موارد زیر می‌شود:

1. مسمومیت‌ها
2. سوختگی‌ها
3. زایمان‌ها
4. صدمات ناشی از حوادث و سوانح و وسایط نقلیه
5. سکته‌های قلبی و مغزی
6. خون‌ریزی‌ها و شوک‌ها
7. اغما
8. اختلالات تنفسی شدید و خفگی‌ها
9. تشنجات
01. بیماری‌های عفونی خطرناک مانند مننژیت‌ها
11. بیماری‌های نوزادانی که نیاز به تعویض خون دارند
21. سایر مواردی که در شمول تعریف ماده 1 قرار می‌گیرد



ماده 4- کلیه بیمارستان‌ها اعم از دولتی و غیر دولتی در تمام اوقات شبانه روز و نیز درمانگاه‌ها و سایر موسسات درمانی در ساعات فعالیت طبق پروانه تاسیس که از وزارت بهداشتی سابق دریافت داشته‌اند مکلف به پذیرش بیمارانی که مشمول فوریت‌های پزشکی هستند می‌باشند.